

سوگند مهندس

در کشور اسلامی کینه قبل از استقلال يك شرکت مختلط اروپائی با اجازه حاکم فرانسوی آنجا تصمیم به کشف و استخراج یکی از معادن آلومینیوم این سرزمین میگیرد.

«اسمارت بر و تون» نماینده شرکت، «عبدالحمید» مبلغ اسلامی اعزامی از لبنان را بمنوان مترجم در شرکت استخدام میکند. کاروان بزرگ شرکت پس از ورود بجنگل بوسیله اعضای نهضت آزاد بپخش گینه محاصره میشود. مزدوران کاروان با کمک سربازان فرانسوی با آنها حمله میکنند. عبدالحمید نیز بسختی مجروح میگردد و پس از چند روز بهوش می آید و در آنجا با سیاهپوست مسلمان روشنفکری بنام «مهدی» آشنا میشود.

پس از آن حوادث بسیاری بر کاروانیان میگذرد و مهدی میتواند با استدلالهای محکم به مزدوران سیاهپوست کاروان ثابت میکند که آنها چون حیوانات آلت دست استعمار شده اند. سخنان گرم و مستدل مهدی در مزدوران اثر میکند و آنها برضد «اسمارت بر و تون» قیام میکنند. نبردی سخت در میگیرد و سیاهپوستان شجاع که خود را از قید بندگی رهانده اند اسمارت بر و تون و کارمندان را دستگیر میکنند. و اکنون بسوی مقر فرماندهی نهضت مقاومت کینه حرکت میکنند.

دنیای ما پیش از هر زمان به او نیاز دارد

تا مسائل اسلامی را برای سیاه پوستانیکه با قیام و عصیان زنجیرهای بردگی را پاره کرده بودند بزبان ساده بیان کنیم .

بعد از پیروزی مهدی و یارانش و دستگیری اسمارت بر و تون و بقیه همکارهای او موفقیت بسیار خوب و جالبی برای من و مهدی بوجود آمد

چندتن از سیاه پوستانی که از دیگران آگاهی بیشتری داشتند بعد از نمازهای جماعت پرسشهای جالبی مطرح میکردند. یکی روز کاروان هنگام ظهر در کنار چشمه ای توقف کرد همه بعد از خوردن غذا بنماز جماعت ایستادیم. پس از نمازیکی از آنان بمهدی گفت :

- برادر! شما چندبار گفتید که در میان فرقه های اسلامی تشیع را اصیل میدانید و علی بن ابیطالب (ع) را بزرگترین پیشوای بشر بعد از پیامبر می دانید و بعد درباره آن زیاد توضیح ندادید و گفتید که چون فعلاً يك مبارزه ضد استعماری در گینه در جریان است مایل نیستید فعلاً بعضی از مسائل را مطرح کنید. من فقط يك چیز می خواهم پرسم و آن اینست که چرا هر وقت سخن از علی (ع) پیش می آید دچار احساسات میشوید. صورتتان سرخ می شود و لبهایتان می لرزد. چشمهایتان درخشندگی خاصی پیدا میکند؟! گوئی علی (ع) را در نزدك خود می بینید. ما بارها از خود پرسیده ایم که چرا دچار این حالت میشوید؟ آیا یاد آوری قهرمانیهای علی شما را دچار هیجان می سازد؟

در این هنگام یکی دیگر از سیاه پوستان قبل از مهدی گفت:

- حتماً ایشان از بیاد آوردن اینکه علی (ع) توانست در عظیم قلمه خیبر را از جا بر کند دچار هیجان میشوند. علی پهلوانی زورمند و قهرمانی شجاع بود

مهدی بسخن آمد و گفت :

- آه بدینگونه از علی سخن نگوئید. اگر

کاروان ما آرام آرام از کنار باطلاق بزرگ میگذشت. هر روز هنگام نمازهای پنجگانه همه به نماز جماعت می ایستادیم و بعد من یا مهدی جهان بینی اسلام و مباحث فقهی را مطرح میکردیم. همه سیاهان خوشحال بودند و با دقت سخنان ما را گوش میدادند. «اسمارت بر وتون» و یارانش از این امر خیلی رنج می بردند، کشیش و راهبه بیش از دیگران ناراحت بودند، حتی چندبار شنیدم که اسمارت بر وتون را سرزنش میکردند که خیلی زود تسلیم شورشیان شده و همه چیز را از دست داد. اسمارت بر وتون هم گاهی اوقات طاقت را از دست میداد و مهدی را تهدید میکرد. او میگفت که «نهضت مقاومت گینه» تاب مقاومت ضربات ارتش فرانسه را نخواهد داشت و سرانجام تسلیم خواهد شد و آنگاه روز مجازات کسانی که مردم را به شورش تحریک می کرده اند فرا خواهد رسید.

اما مهدی در پاسخ او جواب میداد که هرگز چرخ زمان بقلب باز نخواهد گشت و ممکن نیست نیروهای ارتجاع بر نیروهای ظفرمند آزادی - خواهان پیروز شوند. مهدی دستور داده بود که کاملاً از اسمارت بر وتون و کارمندان سفید پوستش مراقبت شود. او میگفت که بیگانگان استعمارگر حتی اگر شکست هم خورده باشند همچون افعی زخم خورده خطرناکند و هرگز نباید آنها را ضعیف پنداشت زیرا آنها هرگز حاضر نیستند دست از منافع سرشار و عظیم خود بازدارند و پس از شکست هم بوساقتی متوسل میشوند تا با فریب و نیرونگ منافع سابق خود را بدست آورند.

بهمین جهت هر لحظه در این فکرند که حکام و رهبران جامعه را فریب دهند و حامی طبقه خود سازند .

من اکنون نامه علی بن ابیطالب را که به عامل خود در بصره نوشت برای شما میخوانم . ببینید که علی(ع) چگونه عثمان بن حنیف را که دعوت توانگران و زراندوزان را پذیرفته است مورد عتاب قرار می دهد :

«ای پسر حنیف بمن خبر داده اند که جوانی از اهل بصره تورا دعوت کرده است و تو نیز شتابان رفته ای . در آن مهمانی خورشهای رنگین و قدحهای سرشار برای تو خواسته و بسویت آورده شده است . در صورتیکه من گمان نداشتم که تو بهممانی مردمی بروی که در مهمانیها تهی دست تیره روز را بستم برانند و توانگران را دعوت کنند .

در آنچه از اینگونه خوراکیها که دندان بر آن مینهی نیک بنگر و آنچه را که نمیدانی چگونه به دست آمده کنار بزن و آنچه را که می دانی که از راه حلال بدست آمده (و دسترنج زحمتکشان و تیره روزان نیست) تناول کن .

هان ای عثمان ! مگر نمیدانی برای هر پیروی پیشوائی است که بایستی از او پیروی کرده و بنور دانش وی روشنی جوید . مگر نمیدانی پیشوای شما از دنیایش بدو جامه کهنه و از خوراک بدو قرص نان راضی شده است ؟ ! درست است که شما توانائی زندگی بدینگونه را ندارید لیکن مرا بزهده و پاکدامنی و کوشش یاری دهید .

پس سوگند بخدا که من از دنیای شما طلائی

برداشتن وزنه های سنگین می توانست عاملی برای جاودانگی باشد مردم جهان ، وزنه برداران را به رهبری بر میگزیدند . من از این جهت از شنیدن نام «علی» دچار هیجان میشوم که میبینم امروز دنیای ما بیش از هر زمان دیگر به او و تعلیماتش نیاز دارد . علی از آن جهت جاودانه است که معتقد بود تا بر جامعه ای سایه شوم فقر و اختلاف طبقاتی گسترده است ممکن نیست که آن جامعه به توحید و یکتا پرستی بگراید !

علی (ع) می دانست که اختلاف طبقاتی و فقر و گرسنگی ، اکثریت یک جامعه عامل اصلی فساد اخلاقی و درهم ریختن بنیان خانواده هاست و آن کس که ادعا میکند در جامعه ای اینچنین ، می تواند بنیادهای اخلاقی را پیاده کند فریبکاری بیش نیست .

در جامعه ای که فقر و ثروت در کنار هم بجوش میخورد غیر ممکن است که بتوان از مردم جامعه خواست که برادری اسلامی را بپذیرند . انسان گرسنه ای که می بیند فرزندان در میان فقر و بیماری دست و پا می زنند غیر ممکن است نسبت به ثروتمند جامعه خود احساس بغض و نفرت نکند و با او «برادر» باشد .

علی (ع) این واقعیت را میدانست که طبقه اشراف و ثروتمند جامعه باسانی حاضر نیستند از رفاه مادی و زندگی بدون رنج خویش دست بکشند و برنامه های اقتصاد اسلامی را بپذیرند !

آنها همچنان میخواهند که دیگران رنج ببرند و آنان بدون رنج و زحمت صاحب همه چیز باشند و

– بر خیزید . آماده نبرد باشید . عده زیادی از سر بازاران فرانسوی و سر بازاران بومی دولتی از سوی کناره جنوبی باطلاق بسوی ما می آیند . زود باشید فرصت را از دست ندهید .

فرمان مهدی عمه ازجا برخاستیم و به سوی تفنگهای خود رفتم تا آماده نبرد شویم و نگذاریم امریمنان زشت خوبیکبار دیگر بر ما مسلط شوند .
نا تمام

بقیه از صفحه ۲۴

از این گفتار بخوبی آشکار میشود که شخص بدبین خود دچار یک نوع بیماری روانی است که ریشه های آن ، در ساختمان وجودی شخص بدبین افرو رفته است : **بعبارت دیگر کمبودها و عقده ها و حسادت ها و خودخواهی ها ، عواملی هستند که روح بدبینی را در افراد پرورش میدهد .**
بنابر این افراد بدبین بطور ناخود – آگاه افکار و روحیات خود را برای دیگران آشکار می سازند ، و بعبارت دیگر شخص بدبین ، بطور ضمنی در درجه اول خویشتن را رسوا ساخته است !

نیندوخته و از غنائم آن مالی فراوان جمع نکرده و بجز این جامه کهنه ای که در بردارم جامه دیگری تهیه ندیده ام .»

این نامه در واقع منشور رعائتی بینوایان و بزرگترین اعلامیه ضد گرسنگی تاریخ است . این نامه نشان میدهد که فردیکه در جامعه ای گرسنه و محروم در کنار سفره های رنگین می نشیند به واقعیت اسلام پی نبرده است .

در این هنگام مهدی سخت دچار هیجان شد و گفت :

علی جاودان است و امروز که ملل استعمار

زده مبارزه ای عظیم را در پیش دارند و امروز که

پیکارگران انسان دوست در همه جا پرچم عدالت

را بر افراشته اند تا قدرت اشراف را درهم کوبند

تعالیم علی (ع) بیش از هر موقع دیگر بکار می آید .

مهدی ساکت شد و سر را بزرافکند . دانه های

درشت عرق بر روی پیشانی او حکایت کننده

احساسات شدید درونش بودند . دقایقی چند در

میان سکوت گذشت . اما ناگهان سیاه پوستی که

«سارامبا» نام داشت و وظیفه نگهبانی و حفاظت

کاروان در آنروز بعهده وی بود از میان درختها

بیرون آمد و وحشت زده فریاد کشید :

شريك گناه!

پیغمبر اکرم (ص) میفرماید :

من ادرك له ولد وعنده مايز وجه فلم يزوجه فاحدث فلاثم بينهما :

کسی که فرزند او به حد رشد رسد؛ و قدرت بر ازدواج او داشته باشد، و وسائل ازدواج

اورا فراهم نسازد اگر خلاقی از او سرزند گناه آن بگردن هردو خواهد بود !